

سخنی در مورد زنان افغانستان

چند لحظه پیش مجله تایم را بخوانش گرفتم و از شما چه پنهان میتوانم
نمایم که چه حالتی برایم دست داد؟

وقتی به پشتی مجله نگاه کردم و عکس یک دوشیزه ای بنام عایشه را
دیدم که گوش و بینی اش را طالبان بریده اند، بخود ناسزا گفته و
میشرمم که نمیتوانم طالبان و حامیان وطنی و منطقوی و بین المللی
شان را در دادگاه بسیار بزرگ انسانی کشانیده و برایشان درخواست
زندانی شدن در قفس های آهنی در همه چهار راه های دنیا بنمایم.

طالبان و طرفداران طالبان باید در پشت میله های آهنی قرار گیرند و
به مثابه موجودات زن ستیز بهمه مردم دنیا نشان داده شوند.

کسانیکه هیچ نوع حقی را برای زن ، برای مادر خود، برای خواهر
خود، برای خاله و عمه خود و برای همه زن ها قایل نیستند و دشمن
زن اند ، پس در جامعه افغانستان بیشتر از نصف مردمش زنان اند و
کم از کم پانزده ملیون نفر زن را در افغانستان محکوم به اسارت
دایمی مینمایند.

به نظر من :

در قدم اول باید همه زن های درس خوانده و مکتب رفته و گویا چیز فهم باهمدیگر در افغانستان روی یک پلاتفورم دموکراتیک که برپایه دفاع از حقوق سیاسی - اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی زن ها استوار گردد، متحد گردند و برای تساوی حقوق همه جانبه و مساوی با مردان مبارزه نمایند. وضعیت طوریست که این مبارزه شاید اشکال مخفی و نیمه مخفی را هم احتوا خواهد نمود.

بسیج و سازماندهی ملیونها زن برای دفاع از حق زندگی، حق کار و حق داشتن لباس خود شان مطابق سلیقه و میل خود شان یکی از ساده ترین گپ های جامعه مدنی است.

اگر به کارگاه ها، کنفرانس ها در جوامع بسته و محدود بسنده شود، روزگار بد تر خواهد گردید.

این توهم را کنار باید گذاشت که گویا دولت مردان از حقوق زنان دفاع خواهند کرد؟

این خواب است و خیال و محال!

به نظر من وظیفه هر مرد ملی- دموکرات است تا از خواسته های زنان در جامعه به دفاع برخیزند.

هیچ نوع پیش شرط های ایدولوژیک، قومی، منطوقی و مذهبی و یا سیاسی نمیتواند برای پیدا نمودن پایه های مشترک برای متحد شدن زنان بخاطر دفاع از حقوق انسانی میان زنان افغانستان مفید واقع گردد.

من در پایان چند عکس دلخراش ای را پیش چشمان تان میگذارم تا شما خود تصمیم بگیرید که مبارزه مینمایید یا تماشاچی بودن را نسبت



به نبرد ترجیح می‌دهید!









